**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و ششم\_15 اردیبهشت1399**

بحث از اینجا شروع شد که آیا نتیجۀ مقدمات انسداد این است که ظنی حجت است از هر سببی که حاصل شود یانه، اسباب خاصه و موارد مخصوصه ایی دارد.

در این جا گفتیم کسی که بگوید، من کاری ندارم به این که اجراء برائت خروج از دین است یا نه، در هر مساله ایی، کاری ندارم که احتیاط حرجی است یا نه، من در هیچ یک از مسائل نه برائتی می شوم و نه احتیاط و کاری هم با ان خروج از دین و نیز حرج ندارم. اگر کسی این حرف را زد باید به هر ظنی که برای او حاصل می شود، از هر طریقی که حاصل می وشد عمل کند اما اگر کسی این را نگفت، گفت ما فی الجملة برائت و احتیاط را مشکلی نمی بینیم، اگر مشکلی هست از جهت این است که برائت کلیه خروج از دین می آورد و احتیاط کلیه حرج می آورد از این جهت. اگر این را گفتیم، این مقدار، فقط وجوب عمل به ظنون را فی الجمله ثابت می کند من دون تعمیمٍ بحسب الاسباب و لا بحسب الموارد و لا بحسب مرتبة الظن.

اینجا که رسیدیم پرانتزی باز کردیم به نام کشف و حکومت که آیا دلیل انسداد را که تقریر می کنید، مقدمات انسداد را که می چینید، میخواهید ازش نتیجه بگیرید، که عقل می گوید شارع باید حکم به وجوب عمل به ظنون کند، این است نتیجه اش، کشف است، یا نتیجه مقدمات انسداد این است که عقل خودش در مسند حکم می نشیند و می گوید برو به ظنون عمل کن نه این که ایی حکم شرعی باشد. این عصاره حرف های دو، سه جلسه گذشته.

حال صفحۀ 467 می فرماید:

ثم إن هذین التقریرین(کشف و حکومت) مشترکان فی الدلالة علی التعمیم من حیث الموارد(میخواهیم ببینیم اینجا تعمیمی بشویم یا نشویم، سه جهت بود، تعمیم از جهت اسباب، تعمیم از جهت مرتبه، تعمیم از جهت موارد. اول موارد را بررسی می کنیم یعنی کجا این ظنون را می خواهی اهمال بکنی؟ می فرماید بین کشف و نقل از این جهت فرقی نیست این خلاصه این پاراگراف است) یعنی المسائل، إذ علی الاول(بنابر کشف) یدعی الاجماع القطعی علی أن العمل بالظن لا یفرق فیه بین أبواب الفقه(بنا شد بنابر کشف ما دنبال مدرک شرعی بگردیم دیگر. مدرک شرعی، اجماع قطعی. ما باید در هر جا که میخواهیم ظنون را پیاده کنیم دلیل داشته باشیم. اجماع قطعی داریم در هر مساله ای که برایت پیش آمد می توانی سراغ ظنون بروی. من دون فرق بین الموارد و المسائل. این اجماع هم دلیل است دیگر. شما هم که بنابر کشف دنبال دلیل شرعی می گشتی، این هم دلیل ) و علی الثانی(یعنی بنابر حکومت، تقریرش چه می شود؟) یقال إن العقل مستقل بعدم الفرق فی باب الاطاعة و المعصیة بین واجبات الفروع من أول الفقه إلی آخره و لا بین محرماتها کذلک،(اگر ما حکومتی شدیم باید برویم سراغ عقل. عقل می گوید ظن حجت است، در باب اطاعت و عصیان هیچ فرقی هم بین مسائل نیست. در محرمات، در واجبات هیچ فرقی نیست. در خود واجبات فرقی نیست. در خود محرمات فرقی نیست، بین محرمات و واجبات فرقی نیست. این را عقل می گوید چون عقل به تو گفت همه راه ها بسته شده است پس برو سراغ ظنون)

پس اگر کشفی بشویم یا حکومتی بشویم از حیث موارد و مسائل لا تفاوتَ بین تقریر الکشف و تقریر الحکومة. اما از حیث اسباب، می فرماید:

أما التقریر الثانی، فهو یقتضی التعمیم و الکلیة من حیث الاسباب، إذ العقل لا یفرق فی باب الاطاعة الظنیة بین أسباب الظن، بل هو من هذه الجهة نظیر العلم لا یقصد منه إلا الانکشاف.

یک تکه اش را نگفته است مرحوم شیخ. اگر ما قائل به کشف بشویم چه باید بکنیم؟ این را در صفحۀ بعد می گوید، صفحۀ 468 می گوید:

و أما التقریر الاول، فالاهمال فیه ثابت من جهة الاسباب و من جهة المرتبة.

آنجا اشاره می کند من همین الان می گویم. اگر ما قائل به کشف شدیم هیچ فرقی نمی کند شارع آمده ظن را حجت کرده است، ظن حجت شده است از هر راهی که حجت شده است، حجت شده است دیگر، از هر سببی که حاصل شده که حاصل شده، اهمال! اگر حرفی هست در حکومت است در حکومت هم می گوییم باز از حیث اسباب فرقی نمی کند؛ چرا؟ چون حکومتِ زمامِ امر را می دهی دستِ عقل. عقل در باب اطاعت علمیه فرقی نمی گذارد که این علم از چه راهی به دست بیاید، مهم نیست برایش، کشف است، انکشاف از واقع، منتها انکشاف علمی. حالا هم که نوبت به اطاعت ظنیه رسید باز بین اسباب ظن فرقی نیست چون لا یقصد منه الا الانکشاف.

نتیجه بحث الی الان این که چه کشفی بشویم چه حکومتی از جهت موارد فرقی نمی کند حجیت من. چه کشفی بشویم، چه حکومتی باز از حیث اسباب فرقی نمی کند ولی یک چیز باقی مانده است، و آن از حیث مرتبه انکشاف است که ان شاء الله فردا عرض می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.